

بازشناسی مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری

سارا سوهانگیر - دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
محمد رضا نصیرسلامی* - دکتری معماری، استادیار و عضو هیأت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Recognition of factors that influence The perception of architectural space

Abstract

This article is written to identify some hidden factors influencing the perception of architectural space. One of the comments in the context of today's contemporary architecture is the architectural space and how it is perceived. In the meantime, experts such as Peter Zumthor, Juhani Pallasmaa, Rudolf Arnheim, Benjamin, Marc Augé and so have ideas about the manner of perception of architectural space. But the architects have always been raised to believe that a tool for revealing space it is not sufficient that there are elements in the perception of architectural space that architects aren't able to transfer them from the available tools because these components include components that are not previously known. Components that are perhaps have equal importance with other external factors. Make changes in the type of each of them has serious effect on human perception of space. The purpose of this article is recognition and attention to the hidden aspects that have a significant role in the perception of architectural space but are often neglected. Knowing these components help architects improve the quality of their designs by identifying factors that influence the perception of architectural space. The posed research question in this research is that: What are the hidden factors that influence the perception of architectural space? And how each of these components is perceived through the user of space? Finally, by more recognition of the hidden factors that influence the perception of architectural space, the spaces can be tailored to the needs of modern man's Creator, so that he can be somewhat of a permanent wandering past in the hope of being saved. Creating spaces that not only for today's needs, but also carries features that link the supplier of the inside and outside senses and can prevail human senses simultaneously and can be held accountable.

Keywords: Sensory perception, Architectural Space, Factors that influence the sensory perception, Expose perception, Hidden perception.

چکیده

این مقاله نوشتاری پیرامون شناسایی برخی از مهم‌ترین مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری است. یکی از بسترهای پژوهشی که امروزه در حوزه نظری معماری معاصر مطرح است، بحث فضای معماری و نحوه ادراک آن است. که در این میان صاحب‌نظرانی مانند پیتر زومتوور، یوهانی بالاسما، رودولف آرنهايم، والتر بنایمین، مارک اوژه وغیره نظریاتی را در مورد چگونگی ادراک فضای معماری مطرح کرده‌اند ولیکن خود معماران همواره بر این باورند که ابزاری که برای نمایاندن فضای ساخته شده در اختیار دارند برای چنین امری کامل و کافی نیست یعنی همواره مولفه‌هایی در زمینه ادراک حسی فضای معماری وجود دارد که معماران قادر به انتقال آنها از راه ابزار موجود نیستند چرا که این مولفه‌ها شامل مولفه‌های شناخته شده پیشین نیستند. مولفه‌هایی که چه بسا اهمیتی هم‌پایه با سایر مولفه‌های ظاهری همیشگی داشته باشند و نوع حضور هر یک از آنها تغییرات قابل توجهی را در نحوه ادراک انسان از فضای ایجاد کند. این پژوهش با تکیه بر روش پژوهشی کیفی و تحلیلی بازمی‌ای مبتنی بر بررسی چگونگی ادراک فضای ادب‌گاه علوم مختلف آغاز شده و به تدریج وارد حوزه شناخت بیشتر از مقوله ادراک حسی و مفاهیم مرتبط با آن می‌شود. هدف از این نوشتار، بازشناسی و توجه به زوایای پنهانی است که در ادراک فضای معماری نقش قابل توجهی دارند ولی در اکثر مواقع مورد غفلت واقع می‌شوند، شناخت این مولفه‌ها می‌تواند یاری‌گر معماران در ارتقاء کیفیت طراحی آنها از طریق شناسایی مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری باشد. پرسش پژوهشی مطرح شده در این تحقیق عبارت است از اینکه: مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری شامل چه مواردی می‌باشد؟ و هر یک از این مولفه‌ها چگونه از طریق کاربرد فضای ادراک می‌شوند؟ در نهایت و در پاسخ به پرسش پژوهشی مطرح شده، مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری شامل ۱۲ مورد مطرح می‌شوند و برای هر یک معادله‌ای از به کارگیری آن مولفه در طراحی فضایی معماری آورده می‌شود؛ چهار مورد برگرفته از مطالعات نظری پایه که شامل مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک آشکار (بالفعل) فضای معماری هستند (مولفه‌های فرهنگ، جنسیت، سن و رنگ) و ۸ مورد که توسط نگارنده اضافه شده است و شامل مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک پنهان (بالقوه) فضای معماری هستند (مولفه‌های زمان، تأثیر عاطفی، معنا، ادراک جسمی، ادراک روانی، شهود، همنشینی حواس و حضور انسان).

وازگان کلیدی: ادراک حسی، فضای معماری، مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی، ادراک آشکار (بالفعل)، ادراک پنهان (بالقوه).

* این مقاله برگرفته از مباحث نظری پایان‌نامه دکتری تخصصی معماری، سارا سوهانگیر با عنوان «معماری حواس؛ انگاره‌سازی مولفه‌های حسی در فضای معماری» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران- مرکزی، به راهنمایی جانب آقای دکتر سیمون آیوزیان انجام شده است.

نویسنده مستول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۷۶۶۳۸، رایانه‌ای: moh.nassir_salami@iauctb.ac.ir

مقدمه

منطقی مباحث استوار است. هم‌چنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای اساس‌بیان، تحلیل و تفسیر مطالب موجود در این مقاله را تشکیل می‌دهند. پژوهش کیفی به تفسیر شرایط می‌پردازد و بر نقش محقق به منزله عنصری حیاتی در نتیجه حاصل از تحقیق تأکید خاص دارد (گروت، ۱۳۸۹، ص ۸۸). این پژوهش به پژوهشگر امکان آن را می‌دهد که با موضوع تعامل داشته باشد، برای گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها از روش‌های انعطاف‌پذیری استفاده کرده و پدیده‌های مورد مطالعه را از دیدگاهی جامع مورد ملاحظه قرار می‌دهد (حریری، ۱۳۹۰، ص ۵). پرسش پژوهشی؛ پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری شامل چه مواردی می‌باشد؟ و هر یک از این مولفه‌ها چگونه از طریق کاربرِ فضا ادراک می‌شوند؟

پیشینه پژوهش

این پژوهش با زمینه‌ای مبتنی بر بررسی چگونگی ادراک فضا از دیدگاه علوم مختلف آغاز گردیده و به تدریج وارد حوزه شناخت بیشتر از مقوله «ادراک حسی» و مفاهیم مرتبط با آن شده است. در این راستا، پس از مطالعه اولیه منابع مرتبط با این مفهوم، به دلیل گستردگی وجود این مبحث در حوزه‌های مختلف، یک طبقه‌بندی اولیه جهت شناخت گروه‌های مختلف بررسی کننده مقوله «ادراک حسی» انجام گرفته است. (جدول ۱) سپس سطوح متفاوت برخورد با آن نیز، جهت آگاهی و شناخت بیشتر حوزه انتخابی مورد بررسی قرار گرفته است. (جدول ۲)

پس از شناخت گروه‌های مختلف بررسی کننده این مقوله و سطوح متفاوت برخورد آنها، به دلیل عدم امکان بررسی ادراک حسی به صورت کاملاً علمی (که در مقوله علم فیزیک و شیمی قرار گرفته و حوزه‌ای کاملاً تخصصی می‌باشد) و عدم تمایل به پژوهشی صرفاً توصیفی (برخورد پدیده‌شناسانه)، برخورد میانه و صاحب‌نظران مطرح در آن حوزه انتخاب شده و مورد بررسی دقیق‌تر قرار گرفتند. برخی از این افراد که با رویکردي پدیده‌شناسانه و میانه (تجربی و منطقی) به بررسی ادراک حسی و مفاهیم مرتبط با آن پرداختند عبارتند از: «یوهانی پالاسما»^۱، «پیتر زومتور»^۲، «رودولف آرنهايم»^۳، «هنری لفور»^۴، «والتر بنیامین»^۵ و

در زندگی روزمره در زمان‌های هُشیاری، (دست‌کم به نظر می‌رسد) ارتباط مستقیم و پیوسته‌ای با جهان بیرون از خود داریم؛ بی‌وقفه و (ظاهرآ) بدون هیچ واسطه‌ای، اطلاعاتی از بیرون به ما می‌رسد. وقتی در خیابان قدم می‌زنیم، وزش باد را روی پوستمان استشمام می‌کنیم، طعم شیرین شکلاتی را که در دهانمان قرار دارد، می‌چشیم، صدای بوق خودروها، سر و صدای مغازه‌داران و همه‌مه عابران پیاده را می‌شنویم، و خیابان، خودروها، انسان‌ها، ساختمان‌ها و بسیاری چیزهای دیگر را می‌بینیم. در این لحظه، اطلاعات بسیاری را از محیط بیرون از خودمان دریافت می‌کنیم: از رنگ و شکل اشیاء و افراد بیرونی گرفته تا صداها، بوها، طعم‌ها و کیفیات بساوایی همچون سفتی کف پیاده‌رو. این اطلاعات را از طریق چیدن مقدمات، تحلیل، بررسی و تأمل به دست نمی‌آوریم، بلکه این انبوه اطلاعات گوناگون بدون هیچ مقدمه‌چینی و تأملی و به طور زنده و مستقیم از طریق اندام‌های خاصی به دست می‌آیند. این شیوه به دست آوردن اطلاعات «ادراک حسی» نام دارد. به طور سنتی، پنج نوع حس بیرونی^۶ وجود دارد: بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و بساوایی که هر یک از این پنج حس، اندام حسی خاص خود را دارند (کرین، ۱۳۹۱، ص ۹). با توجه به آنچه ذکر شد، حواس انسان نقش مهمی در ادراک محیط پیرامون او ایفا می‌کنند. بنابراین هرچه شناخت انسان نسبت به این حواس کامل‌تر باشد، با دقت بیشتری می‌توان از چگونگی فرآیند ادراک توسط آنها سخن به میان آورد. چنانچه از پژوهش‌های موجود مشخص است، عوامل بسیاری بر ادراک حسی انسان از فضای پیرامونش تأثیرگذارند که از آن جمله می‌توان به مولفه‌های محیطی (مانند نور، صوت، رایحه و غیره) و مولفه‌های کالبدی (مانند فرم، رنگ، مصالح و غیره) اشاره کرد. لکن در این میان مولفه‌های دیگری نیز وجود دارند که به صورت مستقیم و گاه غیرمستقیم بر ادراک انسان از فضای پیرامونش موثرند ولی به اندازه مولفه‌های پیش‌گفته شناخته شده نیستند. این نوشتار در نظر دارد به بازشناسی مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری پردازد.

روش تحقیق

روش تحقیق، کیفی، از نوع تحلیل محتوا و بر استدلال

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

جدول ۱. طبقه‌بندی گروه‌های مختلف بررسی‌کننده مقوله «ادراک حسی»؛ تدوین: نگارنده، ۱۳۹۶.

هوسرل، هایدگر، مولوپوتی	فیلسوفان	پدیدارشناسان	طبقه‌بندی گروه‌های مختلف بررسی‌کننده مقوله «ادراک حسی»	
پالاسما، زومتور، شولتز	فیلسوف - معماران			
لغور، بنیامین، فوکو، گومز، لنگ، اوژه	علوم اجتماعی	دانشمندان و فیلسوفان علم		
مک‌هارگ، سایمون بل	علوم طبیعی			
روان‌شناسی گشتالت	علوم محض (ریاضیات و منطق)	هنرمندان		
تیم کرین، ویلاڈ کوآین، کارناب	علوم کاربردی (پژوهشی و مهندسی)			
آرنهايم، آدورنو، دوسرتو	نقاشی، نمایش، مجسمه‌سازی			

جدول ۲. سطوح متفاوت برخورد با مقوله «ادراک حسی»؛ تدوین: نگارنده، ۱۳۹۶.

پالاسما، زومتور، شولتز	برخورد پدیدارشناسانه	سطوح متفاوت برخورد با مقوله «ادراک حسی»
آرنهايم، آدورنو، دوسرتو، بنیامین، اوژه	برخورد میانه (تجربی و منطقی)	
تیم کرین، ویلاڈ کوآین، کارناب	برخورد منطقی و علمی	

به نقل از پیتر زومتور: یک معماری خوب وابسته به حواس زومتور^۷؛ که از میان آنها «یوهانی پالاسما» و «پیتر اوژه» در زمینه اهمیت همنشینی تمامی حواس در مقوله ادراک حسی و اهمیت آن در معماری و «والتر بنیامین» و می‌دهند توجه کنیم. اینکه اتفاقی که در آن وارد می‌شویم دارای چه شکلی است؟ چه رایحه‌ای در هوای آن وجود دارد؟ صدای برخاسته از گام‌های ما در آن چگونه است؟ کف زمین چگونه در زیر پای ما احساس می‌شود؟ دستگیره در چگونه در دستانمان جای می‌گیرد و نور چگونه به نمای ساختمان برخورد پیدا می‌کند؟ درخشش بر روی دیوارها چگونه است؟ فضای حسی از تنگی یا فراخی دارد؟ آیا فضای موردنظر احساسی از صمیمیت در شما ایجاد می‌کند و یا احساسی از گم شدن در فضای کف‌های چوبی سبک، سنگ‌های سنگین، بافت‌های نرم، گرانیت‌های صیقل‌خورده، چرم‌های منعطف، فولادهای خام، شیشه‌های کریستالی، آسفالت گرم نرم شده از نور خورشید و غیره، همگی مصالح یک عمار هستند. (Zumthor, 1988: 59).

به نقل از والتر بنیامین: ادراک حسی انسان، در خلال دوره‌های طولانی تاریخ، همگام با کل شیوه زندگی او تغییر می‌کند. در تعیین نوع سازماندهی ادراک حسی انسان و رسانه آن، نه فقط طبیعت، بلکه موقعیت‌های تاریخی نیز دخیل‌اند. (نیکفرجام، ۱۳۷۷، صص ۲۱۳ و ۲۱۴) به اعتقاد بنیامین، عکاسی و فیلم، با ایجاد تحول در شیوه ادراک ما، تجلی را از هم گسیخته است. زیرا بدلیل سرعت بالای

«مارک اوژه»^۸؛ که از میان آنها «یوهانی پالاسما» و «پیتر اوژه» در خلال نقدهایی که به ویژگی‌های اثر هنری (بنیامین) و فضای شهری و زندگی مردم (اوژه) در دوران معاصر وارد می‌کنند، توجهی ویژه نیز به مقوله ادراک حسی و تغییر آن، پس از دوران مدرن داشته‌اند.

به نقل از یوهانی پالاسما: از زمان یونان باستان، نوشتۀ‌های فلسفی تمامی دوران به استعاره‌های بصری محدود شده‌اند. تا جایی که معرفت در حد بصیرت بلاواسطه تنزل یافته و به نور به عنوان استعاره‌ای برای حقیقت نگریسته می‌شود. شکنی نیست که فرهنگ تکنولوژیک، ادراکات حسی ما را به نظم در آورده و آشکارا از یکدیگر مجزا ساخته است. بینایی و شناوری به عنوان ادراکات حسی برتر شناخته می‌شوند در حالی که سه حس دیگر به عنوان ادراکات منسوبخی در نظر گرفته شده‌اند که کاربرد آنها کاملاً محدود بوده و معمولاً توسط نظام فرهنگی سرکوب می‌شوند. در نظام فرهنگی بینایی محور و پالوده شده، فقط حس‌هایی همانند لذت بویایی غذا، بوی خوش گل‌ها و غیره مجاز وارد به آگاهی جمعی را دارند. بینایی ما را از جهان جدا می‌کند در صورتی که سایر ادراکات حسی ما را با جهان پیرامون متعدد می‌سازند (پالاسما، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

آن امکان ادراکی عمیق و تعمق بر روی مفاهیم را از انسان می‌گیرد. بدین ترتیب؛ برای نخستین بار در روند تکثیر تصاویر، عکاسی دست را از انجام مهم ترین کارکردهای هنری خود معاف کرد و کار را به چشمی که از میان یک عدسی به جهان می‌نگرد سپرد (طهوری، ۱۳۸۴، ص ۵۹).

به نقل از مارک اوژه: سه تحول شاخص دوران معاصر عبارتند از: فراوانی بیش از اندازه رخدادها، فراوانی بیش از اندازه فضاهای فردی شدن مرجع‌ها. که همه این عوامل بر روی نحوه ادراک انسان نیز تأثیرگذار است. (اوژه، ۱۳۸۷، ص ۶۲). ما در عصر تغییر مقیاس‌ها هستیم، نه تنها به واسطه تسخیر فضا، بلکه در روی زمین نیز: وسایل حمل و نقل سریع، پایتخت هر کشور را در فاصله چند ساعتی پایتختی دیگر قرار داده‌اند (اوژه، ۱۳۸۷، صص ۵۲ و ۵۳).

لازم به ذکر است، علاوه بر تأثیرگذاری مباحث مطرح شده توسط پالاسما، زومترور، بنیامین و اوژه در حوزه ادراک حسی، افراد دیگری نظری «بومه»^۸، «لفور»^۹، «مرلوپوتی»^{۱۰} و «فوکو»^{۱۱} نیز نظریاتی متفاوت و حائز اهمیت در رابطه با این مبحث ارائه داده‌اند که به طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

به نقل از بومه: با توجه به علم عصب‌شناسی در میان تمام انواع ادراک، یک نوع خاص از ادراک وجود دارد که مربوط به ارگان حسی خاص نمی‌باشد. وقتی انسان زیر سایه درخت می‌رود، نمی‌تواند احساسش را با ارگان خاصی تجربه کند. عمل دیدن وجود دارد، اما این دیدن، دیدنی دیگر است و دیدن معمولی نیست. در دیدن، فاصله وجود دارد اما اینجا متفاوت است. چیزی که در این تجربه مستتر است، «احساس حضور تنانی درخت» است. بنابراین حس‌کردن حضور یا حاضر بودن چیزی، اصلاً وابسته به ارگان‌های حسی خاص نیست. یک مثال دیگر زمانی است که انسان بدون شنیدن صدایی، متوجه حضور و نزدیک شدن فردی می‌شود. بنابراین، حضور، تحت تأثیر فشرده شدن محیط ادراک می‌شود و نه به وسیله یک ارگان حسی خاص (حیوانات در این زمینه‌ها بسیار قوی‌تر از انسان‌ها هستند). (Bomhe, 2013: 56).

به نقل از لفور: هنری لفور در کتاب «تولید فضا»^{۱۲} اعلام می‌دارد: ما در گذشته اشیاء را تولید می‌کردیم، ولی اکنون باید از «تولید خود فضا» صحبت شود. به اعتقاد وی سطوح

گوناگون فضا عبارتند از: فضای مطلق (فضای غار، قله، چشم، رودخانه)، فضای تاریخی (فضاهای روتاستها، شهرها و بناهای تاریخی) و فضای انتزاعی (فضاهای هیبریدی دوران معاصر). به اعتقاد لفور «لحظه‌ها» در تولید فضاهای معاصر نقش پررنگی دارند. لحظه عبارت است از تغییرات ناگهانی که منجر به تغییر و گسترش در نظام روزمره شود مانند عشق، بازی، کار و دانش. به‌زعم وی سه بُعد ادراکی فضای عبارتند از: «فضای دریافت»^{۱۳} (ادراکی)، «فضای انگاشته»^{۱۴} (ذهنی) و «فضای زیسته»^{۱۵} (زنگی روزمره) (امیری، ۱۳۹۱، صص ۲-۱۵).

به نقل از مارلوبوتی: بدن انسان نقش مهمی در ادراک ایفا می‌کند (جسمیت‌یافتنگی ادراک). به اعتقاد وی ذهنیت و جسمانیت، مولفه‌های کاملاً در همت‌تیشه یک جوهر بینایین محسوب می‌شوند و نوعی رابطه و سیالیت میان بدن شناسنده و شناخته وجود دارد. از دوره سقراط و افلاطون، همواره بدن به عنوان یک نقيصه و مانع و اخلالگر قلمداد می‌گردیده که باعث عدم ایجاد تمرکز می‌شده است و انسان را از رسیدن به حقیقت بازمی‌داشته، در حالی که مارلوبوتی این دیدگاه را به چالش می‌کشد (یزدخواستی، ۱۳۸۷، صص ۱۳۱-۱۳۳).

به نقل از فوکو: در سلسله مراتب ادراکی گروههای مختلف انسانی و جنسیتی (کودک، مرد، زن، سالمند) تفاوت وجود دارد. وی از تفکیک حوزه‌های مختلف سکسوالیته صحبت می‌کند؛ سکسوالیته‌هایی که در سنین متفاوت بر اساس نوع شناخت و ادراک در آن سنین ظهور پیدا می‌کنند مانند سکسوالیته شیرخوارگان یا کودکان، سکسوالیته معلم-دانش‌آموز، پزشک-بیمار یا روانپزشک-دیوان و سکسوالیته وابسته به مکان مانند سکسوالیته خانه، مدرسه، محل کار و زندان (فوکو، ۱۳۹۲، ص ۵۸)؛ بنابراین آنچه از بررسی پیشینه پژوهش مشخص است، نشان‌دهنده میزان اهمیت مقوله «ادراک حسی» به عنوان یک زمینه مستقل قابل بحث، و یا به عنوان بخش قابل توجهی از فرآیند ادراک فضای معماری است. به گونه‌ای که امروزه یکی از رویکردهای موردن توجه معماران، رویکردهای طراحی مبتنی بر حواس و مقوله‌های مرتبط با آن است.

چارچوب نظری / مفهومی پژوهش
چارچوب نظری تحقیق عبارت است از نظریه‌ای که از سوی پژوهشگر، متناسب با مسئله پژوهش تشخیص

فرهنگ مدیترانه‌ای علی‌رغم تأکید بر خصوصی‌سازی فضاهای و حفظ حریم‌های جنسیتی (برای نمونه در فضاهای داخلی و در رستوران‌ها)، در فضاهای شهری این حریم‌ها تقلیل پیدا می‌کند، به‌گونه‌ای که استفاده از حواس بیوایی و بساوایی در بازارچه‌های آنها بسیار بیشتر از فرنگ‌های آمریکایی و اروپایی شمالی است. البته باید توجه داشت این دوگانگی رفتاری، در واقع ریشه در فرنگ و سنت این دو گروه دارد.

(تصاویر ۱ و ۲)

۲- مولفه «جنسیت»

نتایج کلی پژوهش‌ها حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان فضای شخصی بزرگ‌تری دارند، و فاصله‌ای که افراد از مردان می‌گیرند معمولاً بیشتر از زنان است. با این حال در پژوهش‌های تفاوت‌های جنسی یک نکته حتماً باید در نظر گرفته شود که آیا کنش متقابل زنان یا مردان با زنان بررسی می‌شود یا با مردان (آلتمن، ۱۳۹۰، ص ۹۱). به طور مثال اعضای گروه‌های غیرهم‌جنس (مرکب از یک زن و یک مرد) معمولاً نسبت به اعضای گروه‌های هم‌جنس به هم نزدیک‌ترند. از طرفی حضور زنان در اماکنی مانند مراکز خرید، مدارس بچه‌ها و غیره بیشتر است و از سوی دیگر حضور آنها در ساعت‌های که هوا تاریک است و یا مکان‌هایی که مردانه تلقی می‌شوند مانند مراکز فروش ابزار و آلات مکانیکی و یا میدان‌های مسابقات قدرتی بسیار کمتر است. بدین منظور در طراحی فضاهای باید به این تفاوت‌های ادراکی از منظر جنسیتی توجه داشت. برای نمونه به‌منظور آنکه زنان نیز در فضاهای شهری به اندازه مردان احساس

داده شده و طبعاً توسط وی جهت تحلیل داده‌ها بر اساس اصول و قواعد آن نظریه، انتخاب شده باشد. در این نوشتار به‌منظور بازشناسی هر چه بهتر مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری، این مولفه‌ها در حیطه ادراک فضای معماری مورد بررسی قرار گرفته است. مولفه‌های معرفی شده شامل مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک آشکار (بالفعل) فضای معماری (فرهنگ، سن، جنسیت و رنگ) و مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک پنهان (بالقوه) فضای معماری (زمان، تأثیر عاطفی، معنا، ادراک جسمی، ادراک روانی، شهود، همنشینی حواس و حضور انسان) می‌باشند.

مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای معماری

مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک آشکار (بالفعل) فضای معماری ۱- مولفه «فرهنگ»

انسان‌شناسی جهان‌های معاصر چندگانگی فرنگ‌ها را می‌پذیرد ولی این را نیز می‌پذیرد که هم در میان فرنگ‌ها مختلف استادهای مشترکی وجود دارند و هم درون هر فرنگی تفاوت‌هایی. فرنگ، اگر خواسته باشیم این مفهوم هنوز هم تا حدی کاربردی باقی بماند، دیگر نمی‌تواند به مثابه مجموعه‌هایی از دانسته‌هایی مطرح شود که صدرصد مردم یک جامعه در آن شریک باشند (اوژه، ۱۳۹۳، صص ۳۰ و ۳۱). در زمینه تأثیر مولفه فرنگ بر ادراک حسی فضای معماری می‌توان نمونه‌هایی را به‌منظور شفافیت بیشتر موضوع مطرح کرد. برای نمونه می‌توان به تفاوت موجود میان فرنگ‌های مدیترانه‌ای و اروپایی شمالی در استفاده از فضاهای اعم از فضاهای داخلی و فضاهای شهری اشاره داشت. در



تصویر ۲. کاهش حریم‌ها و فواصل و افزایش به کارگیری حواس جمعی مانند بازارچه‌های شهری موقت، در فرنگ آمریکایی و اروپایی.

(Lawson, 2001: 85)



(Lawson, 2001: 81)

کنند و ارتفاع دستگیره درها از زمین، ارتفاع پنجره‌ها، ارتفاع صندلی‌ها وغیره، همگی می‌بایست در مقیاسِ تناسبات مورد استفاده یک کودک باشد. از طرف دیگر در طراحی خانه سالم‌دان باید به استفاده از رنگ‌های امیدبخش و فضاهای پُرپُور روی آورد. (تصاویر ۵ و ۶)

امنیت کنند، می‌توان از مولفه‌هایی در طراحی برای افزایش میزانِ حسینیت در زنان استفاده کرد، مثلاً سکوهای بیشتری را در پارک برای گردش‌مایی مردم قرار داد و یا از رنگ‌های گرم در کفسازی پیاده‌راه‌ها به منظور القایِ حسینی و امنیت استفاده کرد وغیره (تصاویر ۳ و ۴).

۴- مولفه «رنگ»

یکی از مواردی که در زمینه طراحی فضای معماري از اهمیت بالایی برخوردار است؛ توجه به تناسبِ رنگ انتخابی غالب جهت طراحی فضای داخلی است. برای نمونه در طراحی فضای داخلی فست‌فودها غالباً از رنگ‌های گرم و سقف‌های کوتاه استفاده می‌شود که دلیل آن هم این است که کاربران به سرعت غذای خود را خورده و محل رستوران را ترک کنند، به دلیل حس جنب و جوش و عدم استقراری که رنگ‌های گرم در کاربر ایجاد می‌کند ولی در رستوران‌های دیگر که با هدف ماندگاری بیشتر کاربر در فضای طراحی می‌شوند، غالباً از رنگ‌های ملائم و گاه با طیف رنگ‌های سرد استفاده می‌شود. یک نمونه دیگر از کاربرد خلاقانه از رنگ‌ها با توجه به ادراک متفاوتِ کاربران آن فضا، تأکید بر استفاده از یک رنگ غالب با توجه به نیازهای بیماران در هر یک از بخش‌های بیمارستان می‌باشد. برای نمونه با توجه به اینکه نیازِ اساسی زنان در بخش زنان و زایمان کسب آرامش و احساسِ امنیتِ کافی است، می‌توان در طراحی فضاهای داخلی این بخش از رنگ غالب آبی استفاده نمود. از طرف دیگر می‌توان نظر به روحیاتِ همیشگی مردان در حفظ قدرت و سلامتی‌شان، رنگ قهوه‌ای را به عنوان رنگ غالب

۳- مولفه «سن»

یکی دیگر از مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراکِ حسینی فضای معماري، مقوله «سن» است. همان‌گونه که ادراک ما از خانه دوران کودکی خود در آن هنگام با اکنون کاملاً ادراکی متفاوت است. اگرچه مطالعات متعددی در مورد تغییرات تحولی استفاده از فضای شخصی وجود دارد ولی نتایج این مطالعات ناهماهنگ است. بنابراین دقیقاً روشن نیست که کودکان چه وقت از فضاسازی میان خود و دیگران استفاده می‌کنند، اما روان‌شناسان عقیده دارند که فضای شخصی کودکان به شکلی یکنواخت با افزایش سن تحول می‌یابد. کودکان خردسال در مقایسه با کودکان بزرگ‌تر، خیلی نزدیک به هم بازی می‌کنند و بیشتر یکدیگر را لمس می‌نمایند (مک‌آندره، ۱۳۹۲، صص ۱۶۹ و ۱۷۰). یکی از مواردی که در زمینه طراحی فضای معماري از اهمیت بالایی برخوردار است؛ توجه به سنِ کاربرانِ فضای طراحی شده با توجه به عملکردِ بنا می‌باشد. برای نمونه مقیاس عناصر فضای داخلی در یک مهدکودک با یک دانشگاه به دلیل تفاوت در کاربران آنها کاملاً با یکدیگر متفاوت است. طراحی مبلمان و عناصر فضای داخلی در یک مهدکودک باید به گونه‌ای باشد که کودکان بتوانند با مقیاس خودشان از فضای استفاده



تصویر ۴. قرار دادن فضاهای شهری در میان بافت مسکونی، به منظور افزایش احساس امنیت در زنان هنگام استفاده از فضای (Lawson, 2001: 42)



تصویر ۳. استفاده از کفسازی با رنگ‌های گرم، جهت افزایش احساس امنیت در زنان هنگام استفاده از فضاهای شهری. (Lawson, 2001: 42)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017



تصویر ۶. طراحی فضای داخلی یک خانه سالمندان، با توجه به نیازهای فرد سالمند از لحاظ استفاده از نور، رنگ و خوانایی در فضای www.asmonaco.com/en/article.



تصویر ۵. طراحی فضای داخلی یک مهدکودک، با توجه به نسبات مورد نیاز کودکان و برانگیختن حس مکاشفه فضای www.asmonaco.com/en/article

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۷۷ ■

نظر بصری، روشنایی در طول روز تغییر می‌کند. هنگام ظهر خورشید در بالای سر قرار دارد، سایه‌ها کوتاه‌ند، نور شدید است و فاصله‌ها کوتاه‌تر به نظر می‌رسند. هر چه خورشید در آسمان پایین‌تر می‌آید، سایه‌ها بلند‌تر می‌شوند و قتنی خورشید به افق نزدیک می‌شود، سایه‌ها بلند و اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند. این در حالی است که محیط در هنگام طلوع و غروب خورشید مسطح‌تر به نظر می‌رسد و رنگ خود را از دست می‌دهد. در این وقت بیننده نسبت به حرکت‌های غیربصری مانند بوها و صداها حساس‌تر می‌شود. بالاخره در شب از نظر بصری محیط و منظر دیگری خلق می‌شود. فواصل طولانی‌تر به نظر می‌رسند، دید متوجه آسمان بالای سر می‌گردد و حواس شنوایی، بویایی و چشایی و لامسه ما تشید می‌شوند (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). این ویژگی‌ها می‌توانند امکاناتی برای طراحی فراهم سازند. طراح محیط

در طراحی فضاهای آنها در نظر گرفت. برای بخش کودکان نیز با توجه به اینکه در کودک از بیماری و از دست دادن سلامتی با بزرگسال متفاوت است. می‌توان از ترکیبی از رنگ‌های طیف گرم (زرد، قرمز و نارنجی) به موجب حفظ روحیه و هیجانات آنها در کنار رنگ‌های طیف سرد که جنبه حمایتی دارند (رنگ سبز) استفاده نمود. (تصاویر ۷ تا ۹)

مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک پنهان (بالقوه) فضای معماري ۱ - مولفه «زمان»

زمان از لحاظ ریتم‌های متفاوتی که در محیط ایجاد می‌کند بر ادراک محیط تأثیرگذار است. زمان را می‌توان در دوره‌های روزانه و فصلی، توالی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، ریتم‌های منظم و نامنظم در نظر گرفت. این ریتم‌های مختلف بر ادراک محیط اثر مهمی دارد. به عنوان مثال از



تصویر ۸. استفاده از رنگ‌های ملایم در طراحی رستوران‌های دیگر با هدف استقرار طولانی مدت کاربران. www.asmonaco.com



تصویر ۷. استفاده از رنگ قرمز در طراحی فست‌فودها، با هدف عدم استقرار طولانی مدت کاربران. www.asmonaco.com



تصویر ۹. (به ترتیب از راست به چپ). استفاده از رنگ‌های آبی (امنیت)، قهوه‌ای (قدرت)، نارنجی و سبز (هیجان و حمایت) در طراحی بخش‌های مربوط به زنان، مردان و کودکان در طراحی فضاهای داخلی پک بیمارستان. www.asmonaco.com

یا شاد، افسرده‌کننده یا روحیه‌بخش بدل می‌کند. از آنجا که همین مطلب در مورد اصوات و داده‌های لامسه نیز صحبت دارد، می‌توان گفت هر رنگ معادل صدا یا دمای خاصی است. به همین دلیل است که بعضی افراد نابینا در صورت توصیف یک رنگ برای شان قادرند به کمک قیاس با، مثلاً، یک صدا، تصویری از آن رنگ بسازند (ملوپونتی، ۱۳۹۱، صص ۵۵ و ۵۶). با توجه به تأثیر عمیق استفاده از عناصر با ویژگی تداعی خاطره، مانند فرش‌های ایرانی به خصوص گلیم‌ها و گبه‌های دست‌باف بر روی روح فضای معماری، می‌توان به آنها اشاره کرد (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

۳- مولفه «معنا»

برای استفاده از جنبه‌های ادراکی و تداعی‌کننده محیط در تحقیقات انسان-محیط بر جنبه‌های ادراکی تأکید شده است و می‌توان در مورد واکنش‌های متفاوت طراحان و قرارگیری عموم در محیط بحث کرد. طراحان به نشان‌دادن عکس العمل نسبت به محیط با واژه‌های ادراکی تمایل دارند، حال آن‌که مردم به واژه‌های تداعی‌کننده، معنی بسیاری از محیط‌ها با مسلط شدن بر آن، کامل کردن و تغییر آن به وجود

می‌تواند فضاهایی را خلق کند که در فاصله میان روز و شب، خصوصیات و حالت خود را به صورتی پویا تغییر دهند. برای نمونه، در مورد استفاده از تأثیر نورپردازی در شب بر افزایش غنای ادراکی در فضاهای شهری می‌توان به نورپردازی با چلچراغ در محله تارگوی باکو و نورپردازی ناشی از تعدد تابلویی مغازه‌ها در مراکز خرید در مرکز شهر چین اشاره داشت. (تصاویر ۱۰ و ۱۱)

۲- مولفه «تأثیر عاطفی»

تا زمانی که به کیفیات متتنوع، صرفاً به منزله انبوهی از داده‌های متعلق به دنیاهای کاملاً مستقل بینایی، بوبایی، لامسه و غیره بیندیشیم، وحدتِ عین به صورت رازی باقی خواهد ماند. لیکن روان‌شناسی مدرن، مشاهده کرده است که هر یک از این کیفیات، به جای آنکه کاملاً مجزا باشد، حائز معنایی عاطفی است که میان آن کیفیت و کیفیات مربوط به سایر حواس گونه‌ای مطابقت برقرار می‌کند. برای مثال هر کس که برای آپارتمانی فرش انتخاب کرده باشد می‌داند که از هر رنگ حس و حال خاصی پدید می‌آید که آن رنگ را به رنگی غمگین



تصویر ۱۱. نورپردازی ناشی از تعدد تابلوهای مغازه‌ها در مراکز خرید در مرکز شهر چین. (Garcia, 2013: 24)



تصویر ۱۰. نورپردازی فضاهای شهری با چلچراغ در محله تارگوی (مرکز خرید در مرکز شهر باکو). (Garcia, 2013: 23)



تصویر ۱۳. تأثیر به کارگیری فرش‌های ماشینی با طرح‌های نوین بر احساسِ برگرفته از فضای معماری.
www.beytoote.com/art



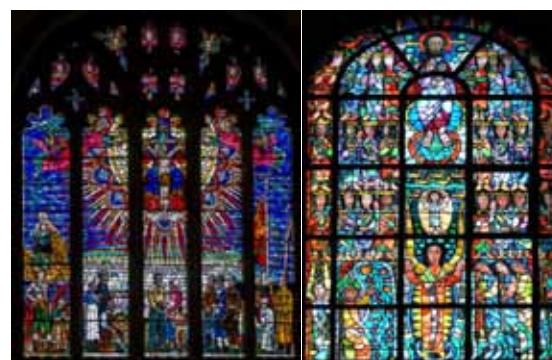
تصویر ۱۲. تأثیر به کارگیری فرش‌های دست‌بافت مانند گبه و گلیم بر احساسِ نوستالژی برگرفته از فضای معماری.
www.beytoote.com/art

کالبدی‌اند. خاطره دیدار ماسوله صرفاً خاطره چشم اندازهای زیبای آن نیست، بلکه خاطره فراز و نشیب‌هایی است که تنِ ما و عضلات آن بالا و پایین رفتن از آن را تجربه کرده است، کفِ پای مان ناهمواری راه‌هایش را فهمیده، دماغ‌مان بوهای آن را استشمام کرده، و گوش‌های مان همه‌مه بازارش را شنیده (پالسما، ۱۳۹۰، ص ۵۶). خاطره ماسوله، خاطره‌ای تبنیاد است. نمونه دیگر آن خانه آبشار رایت (که جنگل پیرامون، احجام، سطوح، بافت‌ها و رنگ‌های خانه و حتی بوهای جنگل و صدای رودخانه را در یک تجربه کاملاً بی‌همتا در هم می‌آمیزد) و خانه‌ای تاریخی ایران است. (تصاویر ۱۶ و ۱۷)

می‌آید (رایپورت، ۱۳۹۱، ص ۲۳). از نمونه‌هایی کاربرد این مولفه، می‌توان به استفاده از شیشه‌های رنگی در اماكن مذهبی مانند کلیساها و مساجد اشاره داشت، به‌گونه‌ای که در فضای هر یک از این مکان‌ها به شیوه‌ای متفاوت از عناصر معماری اعم از شیشه‌های رنگی و یا کاربرد مجسمه‌ها، گچبری‌های سقفی وغیره، در جهتِ القایِ حسی معنوی در کاربرِ فضا استفاده می‌شود (تصاویر ۱۴ و ۱۵).

۴- مولفه «ادراک جسمی»

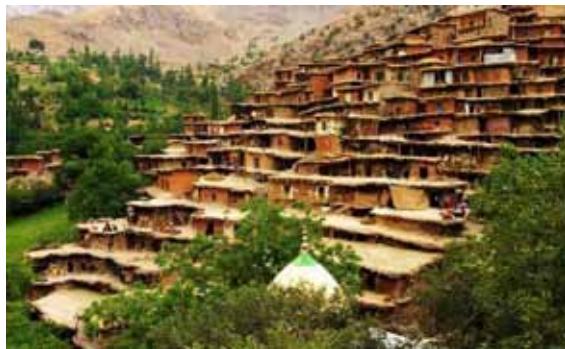
درواقع، دلیل این که ما مکان‌های خاص را به خاطر می‌آوریم آن است که آن‌ها کالبدمان را متأثر ساخته‌اند، یا ما آن‌ها را از طریق کالبدمان تجربه کرده‌ایم. مثلاً خاطره شهرها و روستاهایی که دیده‌ایم خاطره‌ای صرفاً بصری نیستند، بلکه



تصویر ۱۵. استفاده از شیشه‌های رنگی با داستان‌ها و مضامین شیراز، به منظور افزایش غنایِ حسِ معنوی در کاربرانِ فضنا. (Alihodzik, 2010: 48)



تصویر ۱۴. استفاده از شیشه‌های رنگی، در مسجد نصیرالملک شیراز، به منظور افزایش غنایِ حسِ معنوی در کاربرانِ فضنا. مذهبی، در فضاهای کلیساها، به منظور افزایش غنایِ حسِ معنوی در کاربرانِ فضنا. (Alihodzik, 2010: 43)



تصویر ۱۷. تأثیر طراحی بر ادراکِ جسمانی فضای تجربه لایه‌های متفاوت حسی و کالبدی در ماسوله.
www.aryazamyn.com

تصویر ۱۶. تأثیر طراحی بر ادراک جسمانی فضای در خانه، عامرهای در کاشان و سایر خانه‌های تاریخی ایران
www.aryazamyn.com

وجود صداهای متنوع مطلوب‌تر خواهد بود (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۸۰) یا برای نمونه در طراحی کافی شاپ‌ها می‌توان با استفاده از برخی عناصر مانند عناصر گیاهی، میزان آرامش روانی را در فضای افزایش داد. از طرفی در نقطه مقابل، برای نمونه در یک میدان شهری، وجود صداهای متنوع، خود نوعی مطلوبیت فضایی است. (تصاویر ۱۸ و ۱۹)

۵- مولفه «ادراک روانی»

یکی دیگر از مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حسی فضای ادراک روانی از فضای پیرامون است. به این معنا که یکی از اثرات فضایی بر روی ادراک، جنبه روانی آن است برای نمونه یکی از حواس مهم انسان شناوی است. شناوی در کنار بینایی ابزار مهم ما برای کسب اطلاعات درباره محیط است. به علاوه، کیفیت و کمیت صدا در محیط یکی از عواملی است که بر کیفیت فضای تأثیر بهسازی دارد. اگر صداهای فضای بیش از حد تحمل دستگاه شناوی ما باشد، ادامه حضورمان ناممکن خواهد بود (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۷۸). علی‌رغم این تأثیرات باید دقت داشته باشیم که بسته به نوع فضای و توقعاتی که از آن داریم، نوع و میزان صداهای قابل تحمل در فضای می‌تواند متفاوت باشد. غالباً در یک میدان محلی موقع آرامش و سر و صدای کم داریم. در حالی که در یک میدان شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۸۰ ■



تصویر ۱۹: استفاده از جعبه‌های حامل گیاهان در طراحی فضای داخلی یک کافی شاپ، به منظور ارتقاء احساس آرامش روانی. (Slavid, 2012: 91)



تصویر ۱۸: انتقال حس روانی تنش، هنگام عبور از پل شیشه‌ای.
(Slavid, 2012: 87)

گذرها، ارتفاع بنها و سبک متدالوی آنها است، داراست. ما شهر را لمس می‌کنیم، و سردی و گرمی کف خیابان‌ها و کوچه‌ها، دیوارها و نماها در تن‌مان نفوذ می‌کند. ما شهر را استشمام می‌کنیم، و بوی هوا و سبکی و سنگینی آن، عطر گل‌ها و گیاهان آن، رایحه غذاها و مغازه‌های آن در تن‌مان می‌شنیم. ما شهر را می‌چشیم و تندی و شیرینی آن را به‌خاطر می‌سپاریم. شهر، بدین‌سان، با مشارکت حواس و به‌واسطه کالبدمان دریافت می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۱، صص ۸۱ و ۸۲). یکی دیگر از مواردی که می‌توان در آن استفاده از مولفه همنشینی حواس را برای تحت‌تأثیر قرار دادن و افزایش غنای ادراک حسی به‌وضوح مشاهده کرد، طراحی باغ‌های ایرانی است. تمامی نظام‌های موجود در طراحی منظر طبیعی باغ ایرانی، تأثیر مستقیم بر حواس پنج‌گانه انسان دارد و به‌طور همزمان تحریک حواس را تشید می‌کند. باغ ایرانی از طریق همنشینی حواس ادراک جامعی را فراهم می‌آورد. به‌طور خلاصه می‌توان به مولفه‌هایی که باعث فراهم آمدن این قابلیت در باغ ایرانی می‌شوند اشاره داشت، این مولفه‌ها عبارتند از: تنوع فضاهای، گونه‌های سبز گیاهی، گل‌ها و گیاهان رنگین، گیاهان دارویی، کاهش صدای ای انمطلوب محیطی به‌کمک نظام آوا و ظهور آب در گونه‌های مختلف (نیلی، ۱۳۹۱، ص ۶۷). در تصاویر زیر دونمونه از باغ‌های ایرانی به‌همراه مولفه‌های محیطی دربرگیرنده‌شان قابل مشاهده است. یکی از پروژه‌های انجام شده با تأکید بر استفاده از مولفه «هم‌نشینی حواس»، پروژه «پل‌های شناور»^{۱۹} بر روی دریاچه «ایزه»^{۲۰} اثر دو هنرمند به نام‌های «کریستو» و «ژان کلود»^{۲۱} در ایتالیا است. در این پروژه مردم

بهم‌فشدگی لحظات مختلف زمان، در یک فعل آنی است. برگسون، شهود را دیرند می‌داند و شهود را فعلی می‌داند که از رهگذر آن، ما با خود متحد و یکی می‌شویم و می‌توانیم خود را بی هیچ واسطه و بی‌درنگ بنگیریم. (رویایی، ۱۳۸۵، ص ۸۰). شهود در معماری نیز مانند سایر هنرها، می‌تواند تا اندازه‌ای چه بر ادراک خود معمار از طراحی آینده‌اش و چه بر ادراک کاربر فضنا تأثیرگذار باشد. (Brefeileh, 2013: 425-439) البته برخی از معماران، به‌صورتی اغراق‌آمیز ادعا می‌کنند که طرح‌هایشان را با تمام جزئیاتش در خواب دریافت کرده‌اند. اگرچه این امر می‌تواند در مواردی درست یا غلط باشد، ولی باید یادآور شد الهام به‌تهاجیر کافی نیست. چیزی که ما آن را شهود می‌نامیم بهتر است به مهارت توصیف‌اش کنیم: تنها کسانی که دانش را در زمینه‌ای درونی کرده باشند می‌توانند بدون خودآگاهی اندیشمندانه دفعتاً به نتیجه‌گیری درستی دست یابند. (Jormakka, 2007: 76) در پروژه‌ای که یک غرفه رسانه‌ای برای کشور سوئیس است؛ معمار آمریکایی تبار؛ «ریکاردو اسکوفیدیو»^{۱۷} در این پروژه که با نام «ساختمان مهآلود»^{۱۸} شناخته شده است، با خلق فضایی مهآلود از طریق پمپاژ آب در یاچه‌ای واقع در سوئیس به داخل فضای این بنا، امکان تجربه حسی از تعلیق را در کاربران فراهم می‌کند. (تصاویر ۲۰ و ۲۱)

۷- مولفه «هم‌نشینی حواس»

شهر به گونه‌ای چند- حسی ادراک می‌شود؛ ما شهر را می‌شنویم، و هر شهری صدا و صوت ویژه خود را که وابسته به عرض خیابان‌ها، فعالیت‌های مردم، مواد و مصالح کف



تصویر ۲۰. تأثیر معمار بر ادراک کاربر فضنا از مولفه شهود؛ خلق فضایی مهآلود و ابرمانند در پروژه ساختمان مهآلود اثر معمار معاصر، ریکاردو اسکوفیدیو. (Sternadt, 2010: 17)

(Sternadt, 2010: 18)

تصویر ۲۱. تجربه حسی از تعلیق، در پروژه ساختمان مهآلود در شب‌هنجام.



تصویر ۲۳. پروژه «پلهای شناور» بر روی دریاچه ایزه در ایتالیا، به طراحی هنرمندانی به نام کریستو و ژان کلود.
www.christojeanneclaude.net

تصویر ۲۲. استفاده از مولفه «همشینی حواس» در طراحی منظر باغ‌های ایرانی؛ باغ ارم در شیراز.
www.aryazamyn.com

فضای معماری از دو منظر می‌توان مورد مطالعه قرار داد. نخست می‌توان عامل حضور و عدم حضور انسان‌ها را در فضای، به عنوان عاملی که بر نوع ادراک فضای اثرگذار است در نظر گرفت مانند استادیومی که در موقعی از سال مملو از جمعیت انسانی است و در موقعی دیگر خالی از حضور انسان‌هاست. منظر دیگری که می‌توان به تأثیر مولفه حضور انسان بر ادراک حسی فضای معماری داشت، متوجه حالات روحی، روانی و ذخیره ذهنی و فرهنگی فرد خود فرد است که بر نوع ادراک وی از فضای معماری تأثیرگذار است. به عبارت دیگر فضایی که برای یک فرد فضایی مثبت و شادی‌آفرین تلقی می‌شود، می‌تواند برای فرد دیگری به دلیل بادآوری خاطره‌ای بد در گذشته، منفی و حُزن‌انگیز باشد. (تصاویر ۲۴ و ۲۵)

می‌توانند تجربه‌ای نامتعارف و کمتر تجربه شده را با راه رفتن بر روی این پلهای شناور با درگیر شدن تمامی حواس شان تجربه کنند. (تصاویر ۲۲ و ۲۳)

۸- مولفه «حضور انسان»

آدمی شناخت فضای معماری را بی‌پیشنهای ذهنی خود آغاز نمی‌کند؛ آنچه که توقع یا انتظار دارد بیند و دریابد، حتی اگر چونی‌ها و چندی‌هایش پیش‌تر به او القاء نشده باشند، با تمامی تجربه‌های پیشین وی در شناخت و ارزیابی و نیز در بهره‌وری از فضای سنجیده می‌شود. در این سنجش، هم ضمیر آگاه و هم ضمیر ناآگاه وی مداخله دارند. نتیجه برداشت آدمی از فضای معماری، از تجربه‌های ذهنی و شخصی و فردی او تأثیرپذیر است (فلامکی، ۱۳۸۷)، (تصویر ۱۶ و ۱۷). تأثیر مولفه حضور انسان را بر ادراک حسی صص

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۸۲



تصویر ۲۵. تأثیر مولفه حضور انسان بر ادراک حسی فضای؛ تقویت اثر مثبت از یک بنای تاریخی بر ذهن افراد حاضر، بر اثر برگزاری مراسم عروسی.

تصویر ۲۴. استادیوم فوتبال موناکو در هنگام روز و برگزاری مسابقات؛ مملو از جمعیت انسانی.
www.asmonaco.com

عنوان «مؤلفه‌ها»	تعريف هر یک از مولفه‌های تأثیرگذار و «معادلهای معماري»	جدول ۳. مولفه‌های پیشنهادی توسط «نگارنده» / مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک پنهان (بالقوه) فضای معماري
مولفه «زمان»	مولفه «زمان»: تأثیر حس زمان بر فرآیند ادراک فضای معماري و تلفيق شدن آن با سکانس‌های فضایي/ آگاهی از «وابسته بودن معنا و مفهوم زمان به موجوديت ذهنی - فردی و شخصی انسان‌ها»/ تقافوت ميان افراد تک‌زمانی و چند‌زمانی.	مولفه «زمان» ۱
مولفه «تأثیر عاطفي»	مولفه «تأثیر عاطفي»: تأثیر بار عاطفي هر فضا بر ادراک کاربر از فضای معماري/ توجه به بار معنایي خاص هر فضا/ استفاده از ویژگی تداعی خاطره در جهت بهیادآوری خاطرات حسی خاص.	مولفه «تأثیر عاطفي» ۲
مولفه «معنا»	مولفه «معنا»: توجه هم‌زمان به مباحثی مانند تأویل و هرمنوتیک/ توجه به چگونگی ایجاد ارتباط میان آفریننده فضا و مخاطب فضا جهت انتقال معنا و ایجاد دیالوگ میان آنها.	مولفه «معنا» ۳
مولفه «ادراک جسمی»	مولفه «ادراک جسمی»: تجربه کالبدی مکان‌های خاص از طریق ادراک جسمانی/ تجربه شهرها و روستاهای خاص/ خاطره بصری در کنار تجربه کالبدی بنا/ خاطره ماسوله خاطره‌ای تن - بنیاد.	مولفه «ادراک جسمی» ۴
مولفه «ادراک روانی»	مولفه «ادراک روانی»: تأثیرات روانی ناشی از حس مصالح گوناگون و اصوات گوناگون با کیفیت‌های مختلف در معماري و فضای شهری/ لزوم تشخیص چگونگی خلق تجربه فضا با شناخت مباحث روان‌شناسی ادراک.	مولفه «ادراک روانی» ۵
مولفه «شهود»	مولفه «شهود»: استفاده از شهود و الهام در خلق فضای معماري توسط برخی معماران معمار/شهود همان مهارت زمانی که دانش در زمینه‌ای درونی شده/ روشی برای پردازش طرح‌های پیچیده.	مولفه «شهود» ۶
مولفه «همنشینی حواس»	مولفه «همنشینی حواس»: عدم امکان بررسی هر حس به صورت مستقل و به دور از سایر حواس/ توجه به همنشینی حواس در طراحی فضای معماري توسط شخص معمار و ادراک‌کننده‌ها.	مولفه «همنشینی حواس» ۷
مولفه «حضور انسان»	مولفه «حضور انسان»: اثر وجود درونی فرد بر نحوه ادراک از فضای اطرافش/ تأثیر تجربه‌های ذهنی، شخصی و فردی شخص بر نتیجه برداشت‌های آدمی از فضای طبیعی، اجتماعی و فرهنگی/ تأثیر حضور انسان‌ها بر حس فضا.	مولفه «حضور انسان» ۸
مولفه‌های برگرفته از «مطالعات نظری پایه» / مولفه‌های تأثیرگذار بر ادراک آشکار (بالفعل) فضای معماري		
مولفه «فرهنگ»	مولفه «فرهنگ»: یکی از مولفه‌های بسیار تأثیرگذار بر چگونگی ادراک/ تجربه «یک رایحه و صوت ویژه ندانسته در فرهنگی خاص باعث ورود به فضایی که حافظه بصری آن را به کل فراموش کرده.	مولفه «فرهنگ» ۱
مولفه «جنسیت»	مولفه «جنسیت»: تأثیر جنسیت بر ادراک فضای معماري با توجه به تقافوت‌های فیزیولوژیکی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی میان مردان و زنان و پیشینه فرهنگی در یک جامعه.	مولفه «جنسیت» ۲
مولفه «سن»	مولفه «سن»: تقافوت ادراک از فضا در سنین مختلف/ توجه به سن کاربران فضای طراحی شده/ برای نمونه تقافوت در مقیاس عناصر فضای داخلی در یک مهدکودک با یک دانشگاه.	مولفه «سن» ۳
مولفه «رنگ»	مولفه «رنگ»: توجه به تناسب رنگ انتخابی غالب جهت طراحی فضای داخلی با کاربری فضا و هدف معمار از چگونگی استفاده از فضا توسط کاربران/ استفاده از رنگ‌های گرم در فست‌فودها در مقایسه با رستوران‌های کلاسیک.	مولفه «رنگ» ۴

دریست شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

نتیجه‌گیری و جمعبندی

هدف از این نوشتار، بازشناسی و توجه به زوایای پنهانی بود که در ادراک فضای معماری نقش قابل توجهی دارند ولی در اکثر مواقع مورد غفلت واقع می‌شدند. شناخت این مولفه‌ها می‌تواند یاری‌گر هنرمندان و به طور خاص معماران در شناسایی طراحی هر چه بهتر فضایی معماری باشد. علاوه بر آن نظر به تغییر نوع فرآیند ادراک در عصر اطلاعات، لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر در مورد تأثیرات ناشی از مولفه‌های عصر اطلاعات مانند رسانه‌ها، تکنولوژی، رایانه و... بر ادراک انسان معاصر بیش از پیش احساس می‌شود که با شناخت هر چه بهتر این مولفه‌ها و بررسی چگونگی تغییرات به وجود آمده در آنها در دوران معاصر نه تنها می‌توان تبعات آنها را مورد بررسی قرار داد، بلکه با شناخت بیشتر تأثیرگذاری هر یک از آنها بر ادراک انسان، می‌توان خالق فضاهایی متناسب با نیازهای انسان معاصر بود، به گونه‌ای که بتوان وی را تا حدی از سرگردانی دائمی رهانید. خلق فضاهایی که نه تنها متناسب با نیازهای امروز وی است، بلکه حامل ویژگی‌هایی است که تأمین‌کننده حلقه ارتباطی میان حواس اندرونی و بیرونی او است و می‌تواند هم‌زمان به غالب حواس انسان پاسخگو باشد. حال به اختصار، یافته‌های حاصل از تأثیر هر یک از مولفه‌های پیش‌گفته بر ادراک حسی فضایی معماری ذکر می‌شود.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۸۴ ■

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله مراتب سپاس و قدردانی خود را از خانم دکتر سوگل سوهانگیر که در طی دوران انجام پژوهش راهبرم بوده‌اند، بیان می‌دارم.

بی‌نوشت‌ها

- با توجه به مطالب ذکر شده در کتاب «الانسان الكامل» نوشته عزیزالدین سَفَى، به طور کلی ده حس شامل پنج حس اندرونی و پنج حس بیرونی وجود دارد که در بخش‌های آتی به آن اشاره شده است / Rudolf-4 / Peter Zumthor -3 / Juhani pallasmaa -2 / Walter Benjamin-6 / Henri Lefebvre -5 / Arenheim

Maurice Merleau- 9 /.Bomhee -8 /.Marc Auge 7
The Production -11 /.Michel Foucault -10 /.Ponty
Conceived -13 /.Perceived Space -12 / .of Space
.Lived Space -14 /.Lived Space -14 /.Space
Lived -14 /.Lived Space -14 /.Lived Space -14
.Lived Space -14 /.Lived Space -14 /.Space
Henry -16 /.Rene Descartes -15 /.Lived Space -14
.Blur Building -18 /.Bergson -17 /.
Chiristos -21 /.Iseo Lake -20 /.The Floating Piers -19
. & Jeanne-Claude

منابع و مأخذ

۱. آلتمن، ایروین. (۱۳۹۰). محیط و رفتار اجتماعی؛ خلوت، فضای شخصی، قلمرو، ازدحام. ت: علی نمازیان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. اوژه، مارک و ژان پل کولن. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی. ت: ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
۳. اوژه، مارک. (۱۳۸۷). نامکان‌ها: درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته. ت: منوچهر فرهمند. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۴. بنیامین، والتر. (۱۳۹۲). خیابان یک‌طرفه. ت: فرزاد حمید فرازنده. تهران: نشر مرکز.
۵. پاکزاد، جهانشاه و حمیده بزرگ. (۱۳۹۱). الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان. تهران: انتشارات آرمان شهر.
۶. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۰). چشم‌پوست: معماری و ادراک‌های حسی. ت: رامین قدس. تهران: گنج هنر، نشر پرهام نقش.
۷. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۲). دست متفکر: حکمت وجود متجلسد در معماری. ت: علی اکبری. تهران: نشر پرهام نقش.
۸. حریری، نجلا. (۱۳۹۰). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

۹. کرین، تیم و دیگران. (۱۳۹۱). مسائل و نظریه‌های ادراک حسی در فلسفه معاصر. ت: یاسر پور اسماعیل. تهران: نشر حکمت.
۱۰. گروت، لیندا و دیوید وانگ. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. فوکر، میشل. (۱۳۹۲). اراده به دانستن (جلد اول تاریخ جنیت). ت: نیکو سرخوش و افسین جهاندیده. تهران: نشر نی.
۱۲. فلامکی، محمد منصور و دیگران. (۱۳۸۳). معماری و موسیقی. تهران: نشر فضا.
۱۳. فلامکی، محمد منصور. (۱۳۸۷). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. تهران: نشر فضا.
۱۴. شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی طریف یوهانی پالاسما. تهران: نشر رخداد نو.
۱۵. راپورت، آموس. (۱۳۹۱). معنی محیط ساخته شده؛ رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ت: فرج حبیب. تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۱۶. مارلو-پونتی، موریس. (۱۳۹۱). جهان ادراک. ت: فرزاد جابر الانصار. تهران: نشر ققنوس.
۱۷. مک‌آندره، فرانسیس تی. (۱۳۹۲). روان‌شناسی محیطی. ت: غلامرضا محمودی. تهران: نشر وانیا.
۱۸. امیری، نادر و آرش رضاپور. (۱۳۹۱). هنری لفور و تولید اجتماعی فضای. فصلنامه جامعه، فرهنگ و رسانه. (۴): ۱۷-۱.
۱۹. طهوری، نیز. (۱۳۸۴). والتر بینامین: نظریه فقدان تجلی در هنر مدرن. فصلنامه فرهنگستان هنر. (۳۹): ۳۸-۷۹.
۲۰. کمالی، ماندانا و دیگران. (۱۳۸۸). طراحی و مناسبسازی فضاهای شهری برای حضور زنان. همایش ملی زن و معماری. تهران.
۲۱. نیک‌فر جام، امید. (۱۳۷۷). اثر هنری در عصر تکثیر مکانیکی. فصلنامه فارابی. (۳۱): ۲۱۰-۲۲۵.
۲۲. نیلی، رعنا و دیگران. (۱۳۹۱). چگونگی بازتاب شاخصه‌های مناظر شفابخش در الگوی منظر باغ ایرانی. فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر. (۲۳): ۶۵-۷۴.
۲۳. بدن در اندیشه فلسفی مارلوپونتی و چالش‌های نظری در فرایت جامعه‌شناسختی آن. ماهنامه معرفت. (۱۲۶): ۱۲۹-۱۳۹.
24. Alihodzik, R. & Kortovik, N. (2010). Phenomenology of Perception and Memorizing Contemporary Architectural Forms. Architecture and Civil engineering of FACTA Magazine, (4): 425-439.
25. Breffelih, R. & Azarbajani, M. (2013). Technology and the Senses: Multi Sensory Design in the Digital Age. UNC Magazine, (4): 425-439.
26. Jormakka, K. & et al. (2007). Basics Design Methods. Berlin: Birkhäuser Architecture Press.
27. Lawson, B. (2001). The Language of space. Boston: Architectural Press.
28. Leitner, B. (2012). Sound Spaces. Vienna: Atelier Leitner.
29. Slavid, R. (2012). 10 Principles of Architecture. New York: Vivays Publishing.
30. Sternadt, D. & Tavares, J. M. (2010). Introduction of Human Perception in Visualization. University of Porto Magazine, (25): 2-28.
31. Zumthor, P. (1988). Thinking Architecture. Berlin: Birkhaser Press.
32. Zumthor, P. (2005). Peter Zumthor Works (Buildings & Projects 1979-1997). Berlin: Birkhaser Press.

34. Garcia, P. (2013). The Architectural Void: Space as Transgression in PostModern Short Fiction of the Fantastic (1974-2020). School of Architecture, Dublin University University. Supervisor: Professor Jean Philippe Imbert.
33. Seamon, D. (2013). Rethinking Aesthetics: The Role of Body in Design, "Environmental Embodiment, Merleau – Ponty, and Bill Hilier's Theory of Space Syntax: Toward a Phenomenology of People-in-place". New York: Routledge Press.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
۱۳۹۶ شماره ۴۸ پاییز
No.48 Autumn 2017